



## آب، آتش و شکست نیروی انتظامی



از جوانان با حضور در بوستان آب و آتش در قالب آب بازی به اقداماتی دست زدند که "منافی عفت" بود. این اقدامات در ملأعام باعث جریحه دار شدن "احساسات مردمی" شد و بسیاری از رسانه‌ها به این روند اعتراض کردند. و ... قائم مقام وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی در نخستین جلسه هم‌اندیشی ملی فعالان ترویج فرهنگ حجاب و عفاف که در وزارت کشور برگزار شد، گفت: آنچه که در راستای ترویج حجاب و عفاف باید به آن توجه کرد بحث حیا است چرا که قرآن نیز علاوه بر پوشش به حیا نیز اشاره می‌کند؛ رعایت حدود محرم و نامحرم در کشور ما علاوه بر مسئله شرعی، سنتی نیز است و به آن اهمیت زیادی داده می‌شود.\*

مدیر عامل اراضی عباس آباد در واکنش به بروز "بی اخلاقی و اعمال منافی عفت" در بوستان آب و آتش گفت که نیروی انتظامی هم نمی‌توانست افراد هنجارشکن را متفرق کند. بهنام اتابکی با بیان اینکه روز گذشته عده‌ای در يك هماهنگی قبلی در پارک آب و آتش حضور یافته و تصمیم گرفته بودند روی یکدیگر آب بپاشند، گفت: افرادی که اقدام به آب بازی کرده بودند، اصولاً بدحجاب بودند. البته تعدادی افراد با حجاب نیز در پارک حضور داشتند. به گفته اتابکی نیروی انتظامی نیز نمی‌توانست آنها را متفرق کند و از حدود ساعت ۹ تا ۱۲ این افراد اقدام به آب‌بازی کردند و با قطع آب آنها را متفرق کردیم. گفتنی است روز گذشته عده‌ای

## علیه تبعیض را پخش کنید!



متن بالا را خوانده اید؟. این متن را در کنار شاخ و شانه کشیدن ایادی ریز و درشت این حکومت قرار بدهید و فوراً به عکس‌های بالا یک بار دیگر نگاه کنید. این انقلاب مردم ایران و خصوصاً انقلاب زنان علیه حکومت نکبت اسلامی است. این یک جشن ساده در یک کشور عادی نیست. جنگی است بین زندگی و مرگ!

## زنده باد آمنه

هفت سال قبل آمنه بهرامی در جریان عمل وحشیانه اسید پاشیدن به صورتش از دو چشم نابینا شد. او ۱۹ بار روی صورتش عمل جراحی انجام داده و اکنون با اثرات این جنایت غیر انسانی مقابله میکند. آمنه در آخرین لحظات اعلام میکنند که قصاص را نمیخواهد. زنده باد آمنه که با وجود اینکه زندگیش و جوانی و زیبایی اش به دلیل این عمل غیر انسانی از سوی مجید تباه شده، در مقابل دور باطل چشم در مقابل چشم ایستاد و در آخرین لحظات اعلام کرد که نمیخواهد این حکم اجرا شود.\*

امروز یکشنبه ۳۱ ماه ژوئیه ساعت شش و نیم صبح، بدون حضور خبرنگاران و بدون خبر رسانی وسیع قرار بود جلالان حاکم بر ایران، با رعایت تمام ظرایف پزشکی "به چشم‌های مجید ۳۰ ساله، به اسم دفاع از عدالت و دفاع از حق متهم، اسید ریخته و او را از هر دو چشم کور کنند. در آخرین لحظات آمنه از این حکم گذشت و مانع کور کردن چشمان مجید شد.

## سرزمین من کجاست؟

سایه محقق از ایران

دوباره باید اون فرم مزخرف رو پر میکردم باید به همشون جواب میدادم نام.... نام خانوادگی.... دین.... مذهب... تابعیت... بازم باید وانمود میکردم به چیزی که نبودم، گاهی اوقات از خودم بدم میاد ولی زود میفهمم که من مقصر نیستم. من زاده ی نسلی ام که آواره است. نسلی که بحران هویتش تو سیر کردن شکمش گم شده. خانواده میگویند که نباید بهش اهمیت بدم به نگاه های تحقیر آمیز و توهین هاشون. ولی خودم و احساساتم چی؟ همیشه احساس میکنم با بقیه فرق دارم و همه میدونیم که این احساس چقدر میتونه مخرب باشه. فکر میکردم که کسی ما رو درک نمیکند ولی خلیا هستن مثل من. ۲۵ ساله که داریم با این نگاه ها کنار میایم. با تمام این تبعیضات تو مدرسه تو کلاس درس (مادم ما رو تفتیش عقاید میکردن که پدربرت تو خونه چطوری نماز میخونه آگه سنی هستین کتاب دینیتون

جداست و این تنها مادر روشنفکر من بود که مقابلشون می ایستاد و میگفت: که اونا خودشون انتخاب میکنن و این حربه ای بود که مادرم در مقابل این رژیم آخوندی برای کمتر ضربه دیدن ما استفاده میکرد) و حالا هم واسه پیدا کردن کار دیگه بریدم. دلم میخواد از اینجا فرار کنم و برم جایی که به ملیت به دینت کاری نداشته باشه (من یک آتیست هستم) جایی که فقط تو رو انسان ببینه. جایی که حقوق انسانی داشته باشی و دیگه وطن هم واسم ارزشی نداره. من یکی از فرزندان مهاجر افغانم با این تفاوت که مادرم ایرانیه. بعضی اوقات آرزو میکردم کاش این طور نبود. حداقل تکلیف خودمو میدونستم و این طوری بین زمین و آسمان معلق نمیومدم. مشکلات کارت شناسایی و پاسپورت برادران تبدیل به کابوسی برای خانواده شده. جدا از این که کلی پول میگیرن مثل یک شهروند درجه ۲ یا اصلا ۳ باهامون رفتار میکنن آره اینه وضعیت کشوری که به مذهبی بودن معروفه همین طور کشور پدریم ما رو تحقیر میکنند، در حالی که از وقتی به دنیا اومدیم تا به حال کشور پدریمو ندیدیم. تمام عمرمونو اینجا

شاید در نگاه اول اینطور به نظر برسد که این متن بسیار تکان دهنده فقط درباره ملیت و تابعیت است. بنظر من نوشته بسیار عمیق و انسانی سایه در درجه اول یک اعلام جرم قوی و بسیار انسانی علیه تبعیض بر اساس جنسیت است. مادر سایه، یک شهروند ایرانی است. از پدر و مادری "ایرانی" اما فرزندان ایرانی نیستند، "افغانی اند". چرا؟ چون اسلام و محمد و قرآن اینطور حکم داده اند. حکم اسلام می گوید زن کامل نیست، نصف مرد است. کودک به مادر تعلق ندارد، اموال پدر است. حالا که پدر "زاده خاک پاک و اهورائی و ایران اسلامی" نیست پس فرزندان نیز حق حیات برابر ندارند. این راسیسم اسلامی - ایرانی باید از بین برود. ساکنین هر کشور حق تابعیت کامل کشوری را دارند که در آن زندگی می کنند. شهروندان با حقوق برابر.\*

## میدان جنگ

**مجتبی منتظری** مدیر گروه مطالعات قرآنی: يك فرد مؤمن نمی تواند به راحتی در جامعه تردد داشته باشد، چرا که تعداد بی حجاب ها و بدحجاب ها رو به افزایش است و انسان را از نظر روحی و روانی با مشکل روبرو می کند.\*

\*\*\*\*\*

**مریم طوسی، ستاره دوومیدانی ایران**  
مریم طوسی از برترین دوندگان سرعت در آسیاست. او در رقابت های دو و میدانی قهرمانی آسیا در ژاپن ضمن صعود به فینال و شکستن رکورد ایران، تا آستانه کسب ورودی المپیک نیز پیش رفت.

او می گود البته باید شرایط برای دخترها و پسرها یکسان باشد. در این صورت دختران نیز پیشرفت می کنند.  
مریم طوسی اما عقیده دارد که مشکلات

زنان دوومیدانی کار در ایران، ۱۰۰ برابر مشکلات مردان است.\*



مریم طوسی

به گفته معاون حمل و نقل ترافیک شهر تهران، تصمیم گیری درباره استفاده یا عدم استفاده زنان از مسیر ویژه دوچرخه سواری بر عهده "شورای فرهنگی زنان است." با این همه روزنامه روزگار در گزارشی با اشاره به ساخت مسیر ویژه دوچرخه سواری در تهران به طول ۱۵۸ کیلومتر در کنار ساخت "۸۹ خانه دوچرخه"، برای کرایه دادن دوچرخه ها، سهم زنان برای استفاده از مسیر ویژه دوچرخه سواری را هیچ می داند.

فاطمه آلیا، نماینده مجلس ایران نیز استفاده از مسیر جدید دوچرخه سواری را فقط برای استفاده مردان دانسته و گفته است: "بهتر است که خانمها در پیست مخصوص خود با دوچرخه ورزش کنند. استفاده زنان از دوچرخه با فرهنگ عمومی جامعه تناسب ندارد."\*

\*\*\*\*\*

**دختران و مسیر ویژه ۱۵۸ کیلومتری**  
دوچرخه سواری / دختران اجازه دوچرخه سواری در این مسیر را ندارند

→ آماری از زندگی مجردی دختران

طبق آخرین آمار سازمان ملی جوانان ۳۰ درصد از دختران مجرد در ۵ شهر بزرگ کشور در خانه های مجردی زندگی می کنند.

بر طبق همین گزارش ۵ شهر بزرگ تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز ۵ شهر بزرگ کشور هستند که دختران مجرد بیشماری به صورت مجردی و در خانه های مستقل در آنها زندگی می کنند.

دانشجویان و دختران فارغ التحصیلی که به دنبال کار به شهرهای بزرگ مراجعه کرده اند بیشترین تعداد دختران مجردی را تشکیل می دهند که در این شهرها سکنی گزیده اند.

مصطفی اقلیما رییس انجمن علمی مددکاری ایران با اشاره به اینکه دخترانی که مستقل زندگی می کنند استقلال را فرامی گیرند و زمانی ازدواج می کنند که نیازمند پول و خانه شوهر نیستند و به دنبال همسر واقعی می گردند اضافه می کند: به این دلیل ازدواج نیز دیگر اجبار نیست و به اختیار افراد خواهد بود. از طرفی طلاق های این ازدواج ها کمتر خواهد بود و افراد در این زندگی ها یاد می گیرند که بتوانند روی پای خود بایستند و بنابراین ازدواج ها واقعی تر می شود. به اعتقاد وی اما وقتی زندگی ها از روی صرفا سنت شکل بگیرد واقعی نخواهد بود.

\*\*\*\*

برهم زدن ۷ پارتی طی ۲۰ شب

رئیس پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی اعلام کرد در ۲۰ روز گذشته، پلیس این استان بیش از هفت مجلس پارتی مختلط را در منازل مسکونی و باغ ویلاها در شهرهایی همچون سبزوار، طرّقه شانندیز و چناران برهم زده و بیش از ۱۵۰ مرد و زن را دستگیر کرد.

سرهنگ نجاران می افزاید: بیش از ۷۰ نفر از متهمان دستگیر شده زن و بقیه مرد بوده اند که حضور جوانان و نوجوانان میان متهمان مشهود است. سرهنگ نجاران می گوید: نداشتن سوء سابقه یا سابقه تکراری بسیاری از جوانان دستگیر شده در این محافل از طرفی حاکی از گسترش و تبلیغ این فرهنگ میان طیف

وسعی از جوانان است که بدون داشتن تجربه یا سابقه قبلی در این دام می افتند و از طرفی حضور افرادی با سنین بالا به ویژه زنان مطلقه با تعدد ازدواج در کنار جوانان و نوجوانان بی تجربه یا کم تجربه و فریب خورده در این محافل، خود آغاز معضلات دیگری در این زمینه است.

\*\*\*\*

برخورد با ۶۲ آرایشگاه مردانه و ۷۰ آتلیه / جمع آوری وسایل آرایش زنانه از آرایشگاه مردانه

رئیس پلیس تهران از برخورد با ۷۰ آتلیه غیرمجاز و انهدام باندهای اغفال دختران خبر داد.

سردار حسین ساجدی نیا گفت: ماموران پلیس اماکن صبح روز چهارشنبه در یک عملیات ویژه با آتلیه ها و آرایشگاه های متخلف برخورد کردند. در طرح امروز که در راستای طرح امنیت اجتماعی اجرا شد ماموران با ۶۲ آرایشگاه مردانه و ۷۰ آتلیه غیرمجاز برخورد کردند.

ساجدی نیا همچنین از برخورد با آرایشگاههای مردانه ارائه دهنده مدل های غربی تصریح کرد: این مراکز مدل های غربی را ترویج داده و از آرایشگر مرد برای زنان استفاده می کردند. همچنین از این مراکز پوسترهای هنرپیشه های خارجی با لباس مبتذل کشف شد. این درحالی است که مقادیر زیادی لوازم آرایش زنانه از آرایشگاه مردانه کشف شد.

\*\*\*\*

دختر ایلامی قربانی اسیدپاشی جان باخت

"بئرا" دختر ۱۹ ساله ایلامی که اوایل هفته جاری به همراه مادرش مورد اسیدپاشی قرار گرفته بود، صبح امروز در یکی از بیمارستان های تهران جان باخت.

"بئرا" دختر ۱۹ ساله ای که چندی پیش به همراه مادر ۳۵ ساله اش مورد اسیدپاشی قرار گرفته بود، در یکی از بیمارستان های تهران جان باخت.

براساس این گزارش بئرا ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه به علت شدت جراحات وارده ناشی از سوختگی با اسید دچار ایست قلبی شد که با تلاش پزشکان و کادر پرستاری

بیمارستان مجدداً به زندگی بازگشت اما دقایقی بعد به دلیل شدت سوختگی جان باخت. حال عمومی مادر بئرا نیز نامساعد گزارش شده است.

\*\*\*\*

اکیپ بازرسی از وضعیت حجاب در ادارات شهرستان نور

فرماندار نور از تشکیل اکیپ بازرسی از وضعیت عفاف و حجاب کارکنان دولت در ادارات، نهادهای و سازمان های شهرستان نور خبر داد.

عبدالله ملکی گفت: ملاک ارزیابی مدیران بر اساس ارزیابی وضعیت عفاف و حجاب کارکنان زن دستگاهها خواهد بود و مدیرانی که انگیزه تقویت عفاف و حجاب را دارند قطعاً تشویق خواهند شد و مدیرانی که نسبت به این امر بی توجه و سهل انگار هستند، تنبیه می شوند.

مکلی ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی را موجب تحکیم بنیان خانواده و رفع آسیب های اجتماعی برشمرد و گفت ایجاد شبهه در بین مسلمانان و تضعیف شیعه از ترفند استکبار در مقابله با اسلام و انقلاب اسلامی است. او ادامه داد: مردم باید بدانند در چه وضعیتی قرار گرفتند و میزان تاثیرپذیری در مقابل فرهنگ های وارداتی برای آنان بازگو و روشن شود.

\*\*\*\*

سقط روزانه ۲۲۱ جنین در ایران / اغلب افرادی که برای انجام سقط جنین مراجعه می کنند دختران و زنانی هستند که به دلیل فقر مالی و از روی ناچاری به عقد موقت تن داده اند

با این حال آمارهای غیررسمی نشان می دهد ۷۰ درصد سقط جنین ها در ایران در محیط های غیربهداشتی و توسط افراد غیرمتخصص انجام می شود، به طوری که يك متخصص زنان و زایمان با هشدار نسبت به افزایش و عوارض سقط های غیرقانونی در کشور گفت: متأسفانه بارداری در میان گروه سنی ۱۸ و ۱۹ ساله کشور افزایش یافته است. دکتر ژانت مهجوری می گوید: اغلب دختران و زنانی با طیف سنی ۳۰ تا ۵۰ ساله به دلیل بارداری ناخواسته و از ترس آبرو اقدام به سقط جنین می کنند و این درحالی است که این عمل عوارضی همچون پارگی رحم، نازایی ثانویه، خونریزی طولانی و سقط ناقص را موجب می شود.



سلام. امیدوارم سلامت باشید. من از خوانندگان نشریه علیه تبعیض هستم و بخاطر فرمت جدید نشریه و کوتاهی و اختصار مطالب از شما ممنونم. نوشته ای در مورد وضعیت زنان در ایران دارم که براتون می فرستم امیدوارم که مفید باشه و بتوانید در نشریه استفاده کنید. دوباره از زحماتتان تشکر می کنم.  
سارا تقوی از تهران

## قلب من حراج

در حاشیه فیلم تهران من حراج:

مرضیه فریاد کشید و بغض گلویم را گرفت و به آزادی مرضیه حسرت خوردم که توانست ذره کوچکی از دردش را بر سر شهری که نه تنها زادگاهش نیست بلکه زندانیست که در آن اسیر است فریاد کند. شاید باورش سخت باشد اما فریاد زدن و جیغ کشیدن هم برای ما تبدیل به حسرت شده است. تمام زندگی ما در زیرزمین می گذرد. درون خانه، امنیتی نیست چرا که سگ داریم، ماهواره داریم، کتاب

داریم، زن بی حجاب داریم و زندگیمان کلا به شکل زیرزمینی است. پا از خانه که بیرون می گذاریم هم، باید آرام و آن چیزی که نیستیم باشیم. اینجا هم باید یواشکی از کنج دیوار راه برویم و از نگاه های سنگین و ترسناک نیروهای امنیتی بترسیم و بلرزیم که مبادا دست حاکمان شهری که هیچ تعلقی بدان نداریم به ما برسد. آیا واقعا تمام درد ما میهمانی ها و کنسرت های زیرزمینی است؟ درد من و تو به عنوان یک زن ایرانی تنها میهمانی و مشروب و سیگار و رابطه با جنس مخالف است؟ لااقل درد من یکی از اینها فراتر رفته. از این حکومت ضد انسانی و خصوصا ضد زن خسته شده ام. تمام زندگی مان را باید مدیون آزادی هایی باشیم که حکومت برایمان مشخص کرده. تمام لحظات زندگی مان پر از ترس و تشویش است. احساس میکنم که دیگر اینجا جای من نیست و جای هیچ انسانی نیست. تمامیت وجودمان به حراج گذاشته شده و ارزان ترین کالا در کشورمان - ایرانی که بیگانه ترین است برای ما - جان ما زنانی است که هر قدممان نامشروع و غیر اسلامی است. تا کی باید بنشینیم و ببینیم که نفس کشیدنمان هم جریمه و مجازات دارد؟ دیگر تجاوز به جسممان هم

قلب این نشریه در نوشته سایه از ایران، سارا از تهران، شادی ریحانی و حرکت عظیم آب بازی در تهران می تپد! هر چند یک صفحه و نیم از نشریه به خبر های فاشیستی حکومت اسلامی اختصاص یافته است اما همان خبرها حکایت مبارزه جانانه زنان و جامعه با این حکومت نیز هست. اخبار و مطالب مندرج در این شماره نورا فکن مبارزه و تعرض ما علیه رژیم است که از دست ما جانش به لب می رسد.

## زخمی که نمی بینیم...

شادی ریحانی

می دانید؟ خشونت همیشه یک چشم کبود و دندان شکسته و دماغ خونی نیست. خشونت، تحقیر، آزار و گاهی یک نگاه است. نگاه مردی به یقه ی پایین آمده ی لباس زنی وقتی که دولا شده و چایی تعارف می کند. نگاه برادری است به خواهرش وقتی در مهمانی بلند خندیده. نگاهی که ما نمی بینیم. که نمی دانیم ادامه اش وقتی چشم های ما در مجلس نیستند چیست. ترسی است که آرام آرام در طول زمان بر جان زن نشسته.

خشونت بی کلام، بی تماس بدنی، مردی است که در را که باز می کند زن ناگهان مضطرب می شود، غمگین می شود. نمی داند چرا. در حضور مرد انگار کلافه باشد. انگار خودش نباشد. انگار بترسد که خوب نیست. که کم است. که باید لاغرتر باشد چاق تر باشد زیباتر باشد خوشحال تر باشد سنگین تر باشد سکسی تر باشد خانه دارتر باشد عاقل تر باشد. خشونت آن چیزی است که زن نیست و فکر میکند باید باشد. خشونت آن نقابی است که زن می زند به صورتش تا خودش نباشد تا برای مرد کافی باشد. مرد می تواند زن را له

می دانید؟ کتک بدترین نوع خشونت علیه زنان نیست. کبودی و زخم و شکستگی خوب می شوند. قدرت و شادابی و باور به خویشی که از زن در طول ماهها و سالها گرفته می شود گاهی هیچ وقت، هیچ وقت، ترمیم نمی شود

خشونت دست سنگین پدری است که بر صورت دخترک ۹ ساله اش بلند می شود اما هرگز فرود نمی آید. خشونت گردنکشی برادری است که نگاه پسرک معصوم همسایه را کور می کند و خواهر را ناامید می کند از عشق پاک و دیوار به دیوار همسایگی. خشونت آروغ زدن های شوهر است به جای دستت درد نکند برای دستپخت عالی یک صبح تا ظهر حبس شدن در آشپزخانه. خشونت قانون نابرابر حق قیومیت پدربزرگی است که در فقدان پدر، صاحب بلامنازع نوه ی دختری اش می شود بی اینکه حضور مادر در جایی دیده شده باشد. خشونت حق ارثی است که پس از مرگ پدر به تو داده می شود نیم آن چیزی که برادرت می گیرد و تازه منت بر سرت می گذارند که نان آور خانه ات دیگری است. خشونت خود ما زنانیم که تمامی اینها را می پذیریم بی هیچ اعتراضی و آن کسی را هم که در میانمان به اعتراض بلند می شود با القاب زن فلان و بهمان به سخره می گیریم. خشونت خود خودمانیم و از ماست که بر ماست.\*

کند بدون اینکه حتی لمس اش کند. بدون اینکه حتی بخواهد لهش کند. این ارث مردان است که از پدران پدرانشان بهشان رسیده.

خشونت، آزار، تحقیر امتداد همان "مادر... ها، ... ها، خواهر...ها، مادرش را فلان ها، عمه اش را بیسار"هایی است که به شوخی و جدی به هم و به دیگران می گوئیم. خشونت، آزار، تحقیر همان "زن صفت، مثل زن گریه می کردی"هایی است که بچه هایمان از خیلی کودکی یاد می گیرند.

خشونت، آزار، تحقیر، پله های بعدی نردبانی هستند که پله ی اولش با فلانی و بیساری معاشرت نکن چون... فلان لباس را نپوش چون... است. چون هایی که اسمشان می شود "عشق". عشق هایی که می شوند ابزار کنترل. که منتهی می شوند به زنانی بی اعتماد به نفس، بی قدرت، غمگین، تحقیر شده، ترسان، وابسته، تهدید به ترک شده و شاید کتک خورده که فکر می کنند همه ی زخم هایشان از عشق است. که مرد عاشق زخم می زند و زخم بالاخره خوب می شود.

خشونت توجیه آزار روحی، کلامی، جسمی، جنسی مردی است که مست است. مستی انگار عذر موجهی باشد برای ناموجه ترین رفتارها..